

به نام خداوند جان آفرین

آموزش داستان نویسی

مؤلف: روح الله مهدی پور عمرانی

انتشارات تیرگان

در این کتاب می‌خوانید:

پیش‌گفتار	۹
فصل اول: قالب‌های نوشتن	۱۳
۱. مقاله	۱۵
۲. گزارش	۱۹
۳. تاریخ	۲۲
۴. شعر	۲۵
۵. قطعه‌ی ادبی	۲۸
۶. سفرنامه	۳۰
۷. نمایش‌نامه (بازی‌نامه)	۳۳
۸. فیلم‌نامه	۳۶
۹. سرگذشت‌نامه (بیوگرافی)	۳۹
۱۰. نامه‌نگاری	۴۳
۱۱. خاطره‌نویسی	۴۷
۱۲. تک‌نگاری (مونوگرافی)	۴۹
۱۳. یادداشت روزانه	۵۴
۱۴. قصه	۵۷
۱۵. حکایت	۶۲
۱۶. داستان	۶۵
داستان چیست، قصه چیست؟	۷۸
● داستان در ایران	۸۲

فصل دوم: گام‌های نوشتن	۹۱
گام اول	۹۱
● فکر اولیه، چگونه پیدا می‌شود؟	۹۳
● ویژگی‌های برجسته‌ی فکر اولیه:	۹۷
● سوژه‌ها، چه وقت به داستان تبدیل می‌شوند؟	۱۰۱
گام دوم	۱۰۵
● آیا طرح همان خلاصه‌ی داستان است؟	۱۰۹
ویژگی‌های یک طرح خوب داستانی کدامند؟	۱۱۰
داستان نمونه:	۱۱۰
انواع پیرنگ	۱۱۲
تقسیم‌بندی از نوع دیگر	۱۱۵
گام سوم	۱۱۷
اشخاص در داستان	۱۱۷
چرا می‌گوئیم شخص داستان و نه شخصیت؟	۱۱۸
انواع آدم داستانی	۱۱۹
در شخصیت‌پردازی از چه کارهایی باید پرهیز کرد؟	۱۲۵
«تیپ»	۱۲۷
گام چهارم	۱۳۶
زوایه‌ی دید (روایت)	۱۳۶
گام پنجم	۱۶۱
کشمکش	۱۶۱
ویژگی‌های یک کشمکش خوب داستانی	۱۷۹
گام ششم	۱۸۳
گفت‌وگو	۱۸۳
زبان گفتار، زبان گفت‌وگو	۱۹۸
نحو چیست؟	۱۹۹
صرف چیست؟	۱۹۹

۲۰۲	شکل زیان در داستان
۲۰۸	گام هفتم
۲۰۸	بحران
۲۱۶	گام هشتم
۲۱۶	آغاز داستان
۲۱۸	شیوه‌های شروع داستان
۲۲۵	گام نهم
۲۲۵	«پایان بندی»
۲۲۵	آغاز، میانه، پایان
۲۲۵	مقدمه، تنه، نتیجه گیری
۲۳۳	گام دهم
۲۳۳	نام گذاری داستان
۲۳۷	گام یازدهم
۲۳۷	پرداخت
۲۴۴	تلخیص
۲۴۹	گام دوازدهم
۲۴۹	آشنایی زدایی
۲۵۴	«تمثیل»
۲۵۷	«نماد»
۲۶۰	داستان نمادین
۲۶۲	«اسطوره» یا کهن الگو
۲۶۸	جریان سیال ذهن
۲۷۴	گام سیزدهم
۲۷۴	مکان
۲۷۸	کاربردهای عنصر مکان
۲۸۳	گام چهاردهم
۲۸۳	زمان

۲۹۲	 گام پانزدهم
۲۹۲	 لحن
۲۹۷	 فصل سوم: حاشیه‌های نوشتن
۲۹۷	 رابطه‌ی داستان‌نویسی با تحصیلات نویسنده
۳۰۲	 رابطه‌ی داستان‌نویس و منتقد
۳۰۴	 رفتار داستان‌نویس با اثر خود
۳۰۷	 گزاره‌های کوتاه
۳۱۸	 کتاب‌نما

پیش‌گفتار

آیا داستان‌نویسی، آموختنی است؟

این پرسش از نخستین پرسش‌هایی است که از ذهن علاقه‌مندان به داستان‌نویسی می‌جوشد. یافتن پاسخی در خور به این پرسش، تا اندازه‌ای جایگاه داستان‌نویسی و پیوندش را با مقوله‌ی آموزش نشان خواهد داد. هم‌چنین علاقه‌مندان به این رشته‌ی هنری، پیش از وارد شدن به این حوزه، تکلیف خود را خواهند دانست.

پرسش بالا، دست‌کم، دو پاسخ دارد:

یکی با جنبه‌ی مثبت و دیگری با جنبه‌ی منفی.

الف) فن و هنر داستان‌نویسی، معنا پیدا نمی‌کند، بلکه منظور بیش‌تر در زمینه‌ی تکنیکِ نویسندگی است. البته برای آموختن تکنیکِ داستان‌نویسی نیز، حداقل دو شرط باید آماده باشد؛

شرط اول: علاقه؛

شرط دوم: پیگیری.

پس از فراهم شدن دو شرط اولیه‌ی یاد شده، ابزارها و شرایط دیگری مورد نیاز است. این شرایط لازم و ابزارهای بایسته به صورت خلاصه عبارتند از:

۱. ذوق؛

۲. خلاقیت و نوآوری؛

۳. مطالعه‌ی مستمر و فراوان؛

۴. آگاهی از مسایل انسانی و جامعه‌شناسی؛

۵. داشتن نثری خوب و قابل قبول؛

۶. آگاهی و شناخت ابزارها و عناصر داستانی.

اگر ذوق و خلاقیت آموختنی نیستند، مطالعه کردن و برنامه‌ریزی در زمینه‌ی مطالعه‌ی روش‌مند و سیستماتیک را می‌توان فراگرفت. هم‌چنین تاریخ و جامعه‌شناسی و سایر دانش‌های تجربی و انسانی را با تمرین و آموختن می‌توان تقویت کرد.

پیش از پرداختن به جنبه‌ی دیگری از پاسخ به پرسش اصلی این نوشتار، بد نیست به طرح پرسشی دیگر و تدارک پاسخی برای آن غافل‌نمانیم و آن این‌که: یک داستان‌نویس به چه علومی و در چه حدی نیاز دارد؟ انسان هر قدر که بداند باز هم کم است. اما هنرمند داستان‌نویس به جز دانش‌های ادبی از قبیل بیان، معانی، دستور زبان و... به دانش‌های دیگری نیز نیازمند است. حتی به علوم دقیقه و محض مانند ریاضیات، هندسه و فیزیک. اما شرط لازم و کافی در نویسندگی، دانستن همه‌ی دانش‌ها در حد تخصصی و اجتهاد نیست.

داستان‌نویس، بهتر است که از دانش‌ها، آگاهی‌های متعارفی داشته باشد. (ب) داستان‌نویسی، آموختنی نیست.

جنبه‌های زیادی از داستان، جوششی است. از درون داستان‌نویس می‌جوشد.

اساساً داشتن ذوق، امری سرشتی و فطری است. فطرت یا سرشت آدمی، آموزش‌ناپذیر است.

چگونه می‌شود ذوق و قریحه را به کسی آموخت و یا آن را از کسی یاد گرفت؟

هم‌چنین پیدا کردن سوز و یا جا دادن پیام در داستان و بیش‌تر آن چه که به محتوای داستان مربوط می‌شوند، آموختنی نیستند.

مجموع این دو جنبه‌ی داستان، هنر و فن داستان‌نویسی را از بسیاری از حوزه‌های رفتاری متمایز می‌سازد.

اصولاً وقتی از "هنر" یاد می‌شود، جنبه‌های آموزشی آن نسبت به "فن"، کم‌تر است. بنابراین اگر بگوییم «هنر داستان‌نویسی»، خواه ناخواه انتظار یاد دادن و یاد گرفتن در آن به خاطر ماهیتی که در واژه‌ی «فن» وجود دارد، برای داستان‌نویسی، ویژگی و خاصیت آموختنی قابل می‌شویم.

اصطلاح «کارگاه» داستان و یا شعر، با این زمینه‌ی ذهنی و با این معنی از داستان‌نویسی و این تلقی، معنا پیدا می‌کند. اما با این همه، هیچ کارگاهی آموخته‌تر و کاراتر از خواندن داستان نیست.

فشرده‌ی آن چه که نوشته شد را به این شکل دسته‌بندی می‌توان کرد:
- داستان‌نویسی، آمادگی و استعدادی فطری را طلب می‌کند. تکنیک داستان‌نویسی به شرط آن که عنصر علاقه و توان پیگیری در نویسنده موجود باشد، یادگرفتنی و یاددانی خواهد بود.

- ذوق و قریحه، نوآوری، مطالعه‌ی فراوان و مستمر، آگاهی از مسایل انسانی و جامعه‌شناسی، داشتن نثری خوب و پخته. از شرط‌های دیگر نویسندگی به طور عام و داستان‌نویسی به طور خاص به شمار می‌رود.

بررسی‌ها نشان می‌دهد که نویسندگی به عنوان رفتاری عملی و نوشتنی از دوران کودکی و نوجوانی به صورت توانی نهفته در دانش‌آموزان وجود دارد. آموزگاران و دبیران آگاه و علاقه‌مند به ویژه دبیران و آموزگاران درس‌های ادبی مانند انشاء می‌توانند آمادگی‌ها و استعداد‌های پنهان هنری و ادبی (داستان‌نویسی و شعر‌نویسی) را در میان دانش‌آموزان کشف کنند و رشد دهند.

اما کم‌علاقگی و بی‌مهارتی بسیاری از دبیران درس‌های ادبی و هنری به داستان‌نویسی و نداشتن برنامه‌ی هدفمند در این زمینه از سوی نویسندگان متن‌های درسی، سبب شده تا به داستان‌نویسی و شعر‌نویسی بهای شایسته‌ای داده نشود. هر چند ادارات آموزش و پرورش در این سال‌ها، مسابقه‌ها و جشنواره‌هایی در زمینه‌ی داستان‌نویسی برگزار می‌کند و این کار استعداد‌های

موجود را کشف و شناسایی می‌کند، ولی در کنار این رفتار و بیش‌تر از آن باید متن‌های درسی، میزان دانش آموزگاران و دبیران درس‌های ادبی و چته‌ی کتابخانه‌های مدارس را برای سوق دادن دانش‌آموزان علاقه‌مند به مقوله‌ی آفرینش‌های ادبی و هنری، تغییر داد و تقویت کرد.

تشکیل دادن محفل‌ها و شب‌های داستان‌خوانی در کلاس‌های فوق برنامه‌ی مدارس می‌تواند به رشد و تعالی هنر داستان‌نویسی در میان دانش‌آموزان و نویسندگان، کمک کند.

تهیه و تألیف کتاب‌های داستان و کتاب‌های آموزش داستان‌نویسی برای دانش‌آموزان نیز بی‌تأثیر نخواهد بود.

کتابی که در دست دارید با این هدف و با این نگرش نوشته شده است. امید است با مطالعه‌ی این کتاب، بخشی از نیازهای نوجوانان و دانش‌آموزان در زمینه‌ی هنر داستان‌نویسی برآورده و برطرف شود. در پایان از همه‌ی خوانندگان این کتاب می‌خواهم کاستی‌ها و کمبودهای مباحث این کتاب را یادآوری نمایند تا در چاپ بعدی، به‌کار گرفته شود.

روح‌الله مهدی پورعمرانی

تابستان ۱۳۸۴ - تهران